

مجله خبری - تحلیلی

ایران معاصر

شماره ۱۳

اکتبر ۲۰۱۲

Россия и Иран обречены на дружбу



مجله خبری - تحلیلی

ایران معاصر

شماره ۱۳

اکتبر ۲۰۱۲

هیئت تحریریه

سردبیر: رجب صفروف

سرویراستار: ایگور پاتکراتینکو

الکساندر پروخانوف

سرگی بابورین

دمیتری روریکوف

ویتالی تریتیاکوف

حیدر جمال

ماکسیم شیفچینکو

آدرس تحریریه: مسکو، خیابان کورووی وال، شماره ۷

تصاویر گرفته شده از

ایتارتاس، ریانووستی، ریا ایران رو

فهرست مطالب

پیمان ایالات متحده و القاعده، سوریه را به
افغانستان دوم تبدیل می‌کند

آنتون یوستراتوف.....۲

مثلث ایالات متحده - عربستان سعودی - القاعده
در سوریه

آنتون یوستراتوف.....۶

پیمان ایالات متحده و القاعده، سوریه را به افغانستان دوم تبدیل می‌کند

آنتون یوستراتوف

اوایل ماه سپتامبر دولت ایالات متحده پیشنهاد دیپلماتیک بی سابقه ای از طرف یک نیروی غیرقابل تصور دریافت کرد. محمد، برادر تنی ایمن الظواهری رهبر شبکه تروریستی دارای شهرت جهانی «القاعده»، از تدارک آشتی و مصالحه بین این سازمان و ایالات متحده خبر داد. آقای الظواهری که از واشنگتن امتناع از مداخله در امور کشورهای اسلامی و آزادی اسلام‌گرایانی که در زندان‌های آمریکایی به سر می‌برند، را درخواست کرد، اظهار آمادگی نمود که در عوض نه تنها از حملات به ایالات متحده و کشورهای دیگر غرب دست بکشد بلکه از «منافع مشروع ایالات متحده و ممالک غربی در کشورهای اسلامی» دفاع نماید. این سخاوتمندی و لحن اظهارات برای عضو سازمانی که وجود رژیم‌های لاییک را اصولاً به رسمیت نمی‌شناسد، چه رسد به شناسایی «منافع مشروع» آن‌ها، واقعاً شگفت‌انگیز است!

تصادفی نیست که جامعه کارشناسی به این پیشنهاد نگاه انتقادی انداخت. بعضی کارشناسان گمان کردند که القاعده سعی می‌کند از این طریق برای تجدید گروهبندی خود وقت بخرد. بعضی کارشناسان در مورد نفوذ واقعی محمد در کارهای برادرش و سازمان تحت ریاست وی تردید دارند. واقعیت این است که محمد در مصاحبه با شبکه سی-ان-ان اعتراف کرد که طی ۱۰ سال اخیر با ایمن الظواهری در تماس نبوده است.

ولی اوضاع بین‌المللی به صورت گویا این واقعیت را به اثبات می‌رساند که آشتی بین ایالات متحده و القاعده نه تنها تحقق پذیر است بلکه در شرایط جاری در عمل رعایت می‌شود. حتی می‌توان گفت که این دو حریف سازش‌ناپذیر گذشته، با هم پیمان مقطعی بسته‌اند. آن‌ها حداقل در سوریه همدلی و همفکری عجیبی از خود نشان می‌دهند. ایالات متحده برای فعالیت تروریست‌ها در خاک این جمهوری عربی پوشش دیپلماتیک ایجاد می‌کند.

در آستانه کریستمس سال ۲۰۱۱ در دمشق، پایتخت سوریه بر اثر انفجار بمب‌ها، ۵۰ نفر جان خود را از دست دادند. به گفته جیمز کلپر رئیس سرویس اطلاعات ملی ایالات متحده و شخصیت بسیار آگاه، ویژگی آن انفجارها نشان دهنده دست داشتن شبه‌نظامیان القاعده در آن بود. ۱۸ ژوئیه سال ۲۰۱۲ دوباره در پایتخت سوریه انفجارها اتفاق افتاد. این دفعه مسئولین عالی رتبه سوریه یعنی داوود راجحه وزیر دفاع، آصف شوکت معاون وی، حسن الترمینی رئیس ستاد ضد بحرانی و هشام بختیار رئیس سرویس امنیت کشور، هدف این انفجار شدند. به ظاهر ایالات متحده که در سال ۲۰۰۱ بیشتر از همه از دست «تروریسم بین‌المللی» آسیب دیده بود، بایستی این اعمال تروریستی را محکوم کرده و حتی نسبت به تعقیب و مجازات عوامل آن‌ها اقدام نماید. ولی خانم سیوزن رایس نماینده آمریکا در سازمان ملل به قطعنامه ای که تروریسم در سوریه را محکوم می‌کند، رأی نداد. گذشته از آن، خانم رایس خواهان صدور هر چه زودتر قطعنامه دیگر علیه دولت سوریه شد. از اینجا معلوم می‌شود که واشنگتن حتی از محکومیت لفظی تروریسم دست کشیده و اکنون بر مبارزه با قربانیان تروریسم پافشاری می‌کند درحالی که نه تنها مقامات رسمی دمشق بلکه همه مردم سوریه قربانی آن هستند.

در این شرایط نمی‌توان از وصف این موضع‌گیری توسط سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه تعجب کرد که آن را «وحشتناک» دانست.

فعال شدن سازمان القاعده در سوریه و پشتیبانی آشکار از اعمال آن از سوی ایالات متحده نشانه واضح وجود پیمان بین آن‌ها می‌باشد. البته تحقق یک گزینه دیگر هم امکان دارد و آن این است که القاعده که بر اثر از بین رفتن اسامه بن لادن رهبر سابق خود و نابودی پایگاه‌ها در افغانستان و پاکستان به قدری تضعیف شده است که تحت نظارت دولت واشنگتن قرار گرفته و به طور مستقیم به نفع واشنگتن فعالیت می‌کند.

البته در مرحله جاری شخصیت‌های رسمی ایالات متحده هیچ‌گونه حمایت از سازمان تروریستی بین‌المللی را ذکر نمی‌کنند و فقط می‌گویند که از مخالفان سوری حمایت می‌نمایند. کمک نظامی به این گروه‌ها مدتهاست که علنی شده است. به عنوان مثال، روزنامه «نیویورک تایمز» که یکی از بانفوذترین جراید آمریکاست، جدیداً از حضور تیمی از افسران با تجربه سازمان «سیا» در مرز ترکیه با سوریه خبر داد. آن‌ها در این منطقه سازماندهی انتقال اسلحه و مهمات (از جمله موشک‌های ضدتانکی و موشک‌های ضد هوایی دوش پرتاب) برای افراد ارتش آزاد سوریه را بر عهده دارند. بعضی سیاستمداران ترکیه هم اطلاعات مبنی بر حضور مأموران سازمان «سیا» در خاک کشورشان را مورد تأکید قرار می‌دهند. به عنوان مثال، بولنت یسین‌اغلو معاون دبیر حزب کار ترکیه بی‌پرده از گماشته شدن شهروندان ترکیه و مهاجران از کشورهای عربی و افغانستان برای انجام اعمال تروریستی در سوریه اطلاع داد. یسین‌اغلو حتی تشریح کرد که ۶ هزار نفر در این واحدهای «داوطلبان بین‌المللی» شرکت می‌نمایند.

ولی در شرایط جاری نمی‌توان حضور شبه‌نظامیان خود القاعده در میان مخالفان را نفی کرد. هوشیار زیباری وزیر خارجه عراق اعلام نمود که اعضای این سازمان از طریق عراق به سوریه نفوذ می‌کنند. روزنامه «دیلی تلگراف» چاپ بریتانیا اطلاعاتی درباره ورود آن‌ها به سوریه از طریق ترکیه ارائه داد. خبرگزاری فرانسه حتی یک قطعه ویدیویی منتشر نمود که بعد از تصرف پاسگاه ارتشی توسط قیام‌کنندگان سوری تهیه شد. در این قطعه شبه‌نظامیان با پرچم القاعده مشاهده می‌شوند که ادعا می‌کنند که در راه ایجاد دولت اسلامی (دولت اسلامی و نه دولت دمکراتیک که شخصیت‌های رسمی غرب ادعا می‌کنند) مبارزه می‌کنند. شرکت‌کنندگان در این فیلم‌برداری که روزنامه نگاران از یک منبع ذکر نشده در سرویس‌های ویژه عربستان سعودی دریافت کردند، اطلاع می‌دهند که شبه‌نظامیان از عربستان سعودی، الجزایر، مصر، تونس و حتی چین در میان آن‌ها هستند.

آنچه که اوضاع را با نمک می‌سازد، این است که خود مخالفان سوری در ماه اوت هم امکان تشکیل ائتلاف با القاعده را پنهان نمی‌کردند. ابو عمر فرمانده صحرائی ارتش آزاد سوریه در شهر حلب همینطور کشورهای غربی را تهدید می‌کرد که به عقیده وی به اندازه کافی به سازمان او کمک نمی‌کردند. به نظر می‌آید که غرب بالاخره با این همکاری مخالفت نورزید.

ایمن الظواهری رهبر القاعده در یکی از سخنان خود به «مسأله سوریه» اشاره نمود. وی در تابستان سال ۲۰۱۱ گفته بود که باید نه تنها با رژیم بشار اسد (که او این رژیم را به دلیل مجهولی «یکی از ایادی غرب» دانست) بلکه با خود غرب مبارزه کرد. به نظر می‌آید که اعتقادات رهبر بزرگ‌ترین شبکه تروریستی در جهان طی یک سال اخیر تا حدودی تغییر کرده است.

جالب توجه است که در حالی که از عراق عمدتاً افراد دست پرورده محلی که دوره جنگ علیه نیروهای آمریکایی و اعمال تروریستی علیه غیر نظامیان (عمدتاً شیعیان) را طی کردند، وارد سوریه می‌شوند، شبه نظامیان القاعده که از خاک ترکیه سر در می‌آورند، مستقیماً از لیبی واصل می‌گردند. تروریست‌ها در این کشور نه تنها تجربه رزمی بلکه تجربه همکاری با دولت آمریکا و سازمان «سیا» را کسب کرده‌اند. در ماه مارس سال ۲۰۱۱ باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا طی سندی به افسران «سیا» اجازه داد قیام کنندگان لیبی را مسلح و آماده بکنند. در میان آن‌ها افراد «گروه رزمی اسلامی لیبی» هم بودند. این سازمان جناح القاعده در شمال آفریقا می‌باشد. در سال ۲۰۰۷ ایمن الظواهری (که در آن زمان معاون بن لادن بود) الحاق این گروه به شبکه خود را اعلام نمود. حتی ذکر شدن این سازمان جنگی در فهرست سازمان‌های تروریستی که سازمان ملل تدوین کرد، مانع از همکاری آمریکا با این گروه نشد.

بینیم پیمان ایالات متحده با القاعده در مبارزه با دولت مشروع سوریه چه چیزی به ارمغان می‌آورد؟ پاسخ این سؤال «جغرافیایی» است: ما افغانستان دوم را به دست خواهیم آورد. در نتیجه تحولات در سوریه، سناریوی عربی می‌تواند عملی شود. قیام کنندگانی که در نبرد مستقیم با واحدهای ارتش منظم شانس ندارند، ناگزیر آبادی‌هایی را که می‌گیرند، از دست می‌دهند. سربازان سوریه نظارت بر شهر حلب، پایتخت اقتصادی سوریه را تقریباً به خود اعاده کرده‌اند. ولی ارتش آزاد سوریه و گروه‌های مخالف دیگر از مبارزه دست نکشیده و روش‌های نظامی را با شیوه عمل تروریستی عوض نمودند. آن‌ها به تأسیسات نظامی و غیرنظامی حمله کرده و کمین‌ها و انفجارها را بر پا می‌کنند. اوایل ماه سپتامبر در استان ادلیب به فرودگاه نظامی حمله کردند. قیام کنندگان موفق شدند در باند فرودگاه ده بالگرد از بین ببرند. آن‌ها در حومه دمشق به پایگاه پدافند هوایی مجهز به سامانه‌های اس-۲۰۰ هجوم بردند. این وضع اوضاع افغانستان سال‌های ۱۹۸۰ را به یاد می‌آورد. فرق فقط این است که نیروهای شوروی به کمک اسد نخواهند شتافت.

البته با توجه به معادلاتی که شکل گرفته است، مخالفان مسلح در آینده نزدیک موفق نخواهند شد برنده جنگ شوند. لیکن در پرتو پیمان جدید ایالات متحده با تروریست‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که تروریست‌ها مأموریت دیگری دارند و آن بی ثبات کردن اوضاع کشور به وسیله اعمال تروریستی جدید برای اعلام موجودیت خود است. آن‌ها با تحریک عملیات متقابل دولت برای واشنگتن، متحد خود، بهانه‌ای جهت مداخله در این مناقشه ایجاد می‌کنند. در غیر این صورت نمی‌توان حیل‌گری‌های دیپلماتیک آمریکا در رابطه با اعمال تروریستی پی در پی در سوریه را توضیح داد. اگر آمریکا و غرب گزینه نظامی را انتخاب کرده و به خاک سوریه تجاوز کنند، اوضاع سوریه از زیر کنترل در آمده و اوضاع افغانستان امروزی را تکرار خواهد کرد. تصادفی نیست که ولادیمیر پوتین رئیس جمهور فدراسیون روسیه در ملاقات با ماریو مونتی نخست وزیر ایتالیا اظهار داشت که سرنگونی غیرقانونی دولت کنونی سوریه باعث تمديد بیشتر جنگ داخلی که همینطور بسیار طولانی شده است، خواهد گردید. مخالفان و حکومت با هم جا عوض خواهند کرد در حالی که ناهمگونی سیاسی، عقیدتی و حتی قومی جامعه اوضاع پیچیده را دشوار تر خواهد ساخت. از تجربه افغانستان و جدیداً از تجربه لیبی معلوم می‌شود که سرنگونی حاکم مغضوب برای کشور مربوطه صلح به ارمغان نمی‌آورد. همکاری «حامل‌های غربی دموکراسی» با سازمان‌های اسلام‌گرای چون القاعده هم بسیار ناپایدار است. کسی بهتر از کریستوفر ستیونز سفیر آمریکا در لیبی، این حقیقت را از تجربه خود نشناخته است.

این بار اول نیست که ایالات متحده از سازمان های رادیکال تروریستی اسلام‌گرا به نفع خود استفاده می‌کند. آمریکا در سال‌های ۱۹۸۰ در افغانستان و در لیبی این کار را کرده بود و الآن همین وضع در سوریه مشاهده می‌شود.

«تأثیر عقرب» که هر موقعی می‌تواند متحدان غربی خود را نیش بزند، واقعیت عینی است که در آینده نزدیک تحقق خواهد یافت. ولی پیمان ایالات متحده و القاعده قبل از آنکه علیه طراحان خود عمل کند، می‌تواند برای ملت سوریه و تمام منطقه خاور میانه مصیبت‌های فراوانی به بار آورد. در حال حاضر تنها مقابله دیپلماتیک با استفاده از همه فناوری‌های صلح‌آمیز که روسیه و ایران بدان متوسل شده‌اند، می‌تواند جلوی تحقق «سناریوی افغانی» را بگیرد که برای سوریه تهیه شده است.

مثلث ایالات متحده - عربستان سعودی - القاعده در سوریه

آنتون یوستراتوف

مناقشه سوریه که از بهار سال ۲۰۱۱ تا کنون همچنان ادامه دارد، مدت‌هاست که امر داخلی این جمهوری عربی نه چندان بزرگ نمی‌باشد. معلوم شد که هم کشورهای منطقه ای و هم قدرت‌های بزرگ جهانی در سوریه منافع خاصی دنبال می‌کنند. در حقیقت امر، دولت بشار اسد مشغول رویارویی مسلحانه نه فقط با قیام‌کنندگان داخلی بلکه نبرد مستقیم با ایالات متحده، کشورهای حاشیه خلیج فارس و شبکه تروریستی بین‌المللی القاعده است. این بیان دور از تبلیغات و از جانبداری از یکی از طرفین مناقشه بلکه یک واقعیت عینی است.



ایالات متحده از همان ابتدای قیام مخالفان سوری از آن‌ها پشتیبانی می‌کرد. ولی در حال حاضر آمریکا به مساعدت اخلاقی و دیپلماتیک به مخالفان بشار اسد بسنده نمی‌کند. در بعد دیپلماتیک، خانم سیوزن رایس نماینده آمریکا در سازمان ملل بی‌پرده سعی می‌کند بر رفتار تروریست‌ها در خاک سوریه سرپوش بگذارد. این تنها توضیح ممکن امتناع خانم رایس از رأی دادن به قطعنامه حاوی محکومیت تروریسم در سوریه در شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد.

علاوه بر دیپلماسی، دولت و سرویس‌های ویژه ایالات متحده به قیام‌کنندگان سوری کمک‌های نظامی هم ارائه می‌دهند. بعضی رسانه‌های گروهی غرب و از جمله روزنامه «دیلی تلگراف»، بزرگ‌ترین نشریه چاپ بریتانیا اطلاع دادند که افسران سازمان «سیا» در مرز بین ترکیه و سوریه مستقر شده و توزیع سلاح‌هایی را که برای مخالفان اسد ارسال می‌شود، کنترل می‌نمایند. «بلند یسین‌اغلو» معاون دبیر حزب کار ترکیه از عملیات سازمان «سیا» در جهت به خدمت گماشتن شبه نظامیان در خاک این کشور خبر داد در حالی که تنی چند از همکاران وی شک و تردید ندارند که نمایندگان سرویس‌های ویژه آمریکا در داخل سوریه هم فعالیت می‌کنند. جدیداً اطلاعاتی درباره تحویل موشک‌های ضد هوایی دوش پرتاب از نوع «استینگر» از طرف ایالات متحده به شبه نظامیان سوریه منتشر شد که مقامات رسمی واشنگتن هنوز این اطلاعات را تأیید نکرده‌اند. و اما کمک‌های مالی به صورت باز و آشکار در اختیار مخالفان مسلح گذاشته می‌شود. ایالات متحده بی‌میل نیست به صورت مستقیم در این مناقشه دخالت کند ولی دولت باراک اوباما در شرایط جاری این کار را برای خود سودآور نمی‌داند. تازه واشنگتن برای دمشق «خط قرمز» ترسیم نموده است و آن استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه قیام‌کنندگان است. آمریکا اعلام کرد که در این صورت در شرکت خود در جنگ داخلی سوریه تجدید نظر خواهد نمود. با توجه به اینکه اوضاع این کشور به گونه‌ای شکل گرفته که تا کنون روشن نشده است چه کسی به وسیله گلوله‌های ساخت ناتو که ارتش سوریه ندارد، سرزمین ترکیه را گلوله باران کرده است، به آسانی می‌توان فهمید خط قرمزی که کشیده شد، تا چه اندازه مشروط است.

و اما در زمینه تأمین اسلحه و پول برای علاقه مندان به سرنگونی بشار اسد، نقش کلیدی نه به ایالات متحده بلکه به نیرویی تعلق دارد که کوچک تر است ولی به تغییرات در حکومت سوریه علاقه بیشتری دارد. منظورم عربستان سعودی و کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس هستند که از عربستان پیروی می کنند. دولت های آن ها به سوریه تفنگ ها، نارنجک اندازها و وسایل مبارزه با تانک ها را ارسال می کنند. در ماه اکتبر خبرنگاران «بی بی سی-سی» در پایگاه مخالفان سوری در شهر حلب چند جعبه حاوی سلاح های ساخت اوکراین را کشف کردند که مخصوص عربستان سعودی بود. بعید است که چند کانتینر حاوی این «کالاها» تصادفاً به سوریه ارسال شده باشد. چند روز بعد از آن کشف بسیار جالب، نشانه آشکار تر علاقه زیاد و کنترل نشده عربستان سعودی به امور داخلی سوریه به دست آمد. سربازان ارتش بشار اسد یک افسر سعودی را به قتل رساندند. سربازان سوری موفق شدند همراه با آن شخص نظامی بدبخت سعودی که نامش محمد سالم الحربی بود، ۲۰ شهروند ترکیه را هم از پای در آورند که به صورت نامفهوم (چنانچه جنبه حقوقی قضیه را در نظر بگیریم) وارد خاک سوریه شده بودند. دولت های دیگر حاشیه خلیج فارس از پادشاهی سعودی عقب نمی مانند. به عنوان مثال، قطر نیز برای قیام کنندگان اسلحه صادر می کند در حالی که شبکه الجزیره که مهمترین شبکه تلویزیونی این کشور است، به حامی اطلاعاتی مقاومت سوری تبدیل گردیده است.

فرض بر آن است که کشورهای حاشیه خلیج فارس در جریان ملاقات خود در حاشیه اجلاس سران اتحادیه کشورهای عرب اعمال خود را علیه رژیم بشار اسد هماهنگ نمودند. ولی حتی با وجود رفتار ناباب ایالات متحده و پادشاهی های حاشیه خلیج فارس از حیث مبانی اخلاق شناخته شده انسانی، این کشورها از نظر جامعه جهانی، بازیگران مشروع سیاسی هستند. ولی در سوریه حد اقل یک بازیگر نامشروع فعالیت می کند و آن شبکه تروریستی بین المللی القاعده است. منابع مذکور ترکی و «هوشیار زبیری» وزیر امور خارجه عراق و نیز روزنامه «دیلی تلگراف» حضور اعضای این سازمان در سوریه را مورد تأکید قرار دادند. خبرگزاری فرانسه قطعه ویدیویی را به دست آورد که در آن شبه نظامیانی که یکی از پاسگاه های مرزی ارتش سوریه را به تصرف خود در آوردند، بی پرده پرچم های القاعده را بر افراشته و درباره ایجاد دولت اسلامی در سوریه بحث می نمایند.

مقامات رسمی آمریکا هم حضور شبه نظامیان بزرگترین شبکه تروریستی بین المللی در خاک سوریه را تأیید کردند. خبرگزاری «آسوشیتد پرس» به نقل از منابعی در سرویس های ویژه ایالات متحده اعلام کرد که اعضای دولت آمریکا نگران رشد نفوذ القاعده در این جنگ داخلی هستند. ویکتوریا نولند سخنگوی رسمی وزارت خارجه آمریکا هم از فعال شدن افراطیون خبر داد. خود مخالفان سوری از حضور افراد القاعده اطلاع می دهند و سعی می کنند با هشدار از امکان همکاری با القاعده، از غرب برای خود امتیازات بیشتری به دست آورند. البته، این خبرها به تابستان امسال بر می گردد ولی در حال حاضر ارتش آزاد سوریه هشدار نمی دهد بلکه در عمل با القاعده همکاری می نماید. بنا بر این، ایالات متحده و عربستان سعودی «در یک قایق» با دشمن شماره ۱ دیروزی خود قرار گرفته است. این قایق به قدری محکم است که نمایندگان آمریکایی در سازمان ملل حتی اعمال تروریستی شبه نظامیان شبکه بین المللی تروریستی القاعده علیه غیر نظامیان سوری را محکوم نمی کنند.

بنا بر این، مثلث عجیب و غریب ایالات متحده - عربستان سعودی - القاعده شکل می گیرد. همین نیروها (علاوه بر مخالفان داخلی) مبارزان اساسی فعلی با رژیم سوریه هستند. ولی اهداف هر یک از این بازیگران با هم تفاوت دارد. در حالی که ایالات متحده تلاش می کند آخرین رژیم مستقل جهان عرب را از بین برده و حتی الامکان امنیت اسرائیل متحد خود را تأمین کند

و با محروم کردن ایران از تنها دولت دوست عربی آن به این کشور «تزدیک» شود، ریاض قبل از همه برنامه‌های سلطه منطقه ای را در سر خود می‌پروراند. عربستان می‌خواهد قبل از همه نفوذ ایران و سوریه را خنثی کرده و این کشورها را از فضای سیاسی منطقه ای اخراج نماید. ولی عربستان سعودی تنها تا حدی که با منافع آن سازگار باشد، حاضر است زندگی اسرائیل را راحت کرده و منافع ژئوپلیتیکی ایالات متحده را تأمین نماید. بعید به نظر می‌آید که برقراری دموکراسی در سوریه با برنامه‌های آل سعود سازگار باشد. گفتنی است که رژیم سعودی از دموکراسی بسیار دور است.

در حالی که ایالات متحده و پادشاهی عربستان می‌توانند با هم وجه اشتراک پیدا کنند، اهداف القاعده، عضو سوم این ائتلاف با آنچه که دو کشور مذکور اعلام می‌کنند، تفاوت اساسی دارد. هم اکنون شبه نظامیان و سران آن‌ها اعلام می‌کنند که در خاک سوریه دولت اسلامی باید ایجاد شده و بر اساس قوانین شرعی اداره شود که همه عواقب این امر قابل پیشبینی است. ایمن الظواهری رهبر القاعده در تنها بیانیه خود درباره سوریه اظهار داشت که مخالفان رژیم بشار اسد باید نه تنها با رئیس جمهور سوریه بلکه با کشورهای غربی مبارزه کنند. و حالا آمریکا باید به این موضوع فکر کند که آیا القاعده می‌تواند واشنگتن را به عنوان هدف بعدی خود انتخاب کند همانطور که بعد از خروج نیروهای شوروی از افغانستان همان کار را کرده بود. و اما برقراری دموکراسی در سوریه که توجه زیاد سیاستمداران اروپایی و آمریکایی را به خود جلب می‌کند، ظاهراً به تعویق افتاده است زیرا طرفداران «دولت اسلامی» در میان نیروهای اعزامی واشنگتن برای مبارزه با اسد و در میان مخالفان سوری برتری کمی دارند.

مثلث آمریکا - عربستان - القاعده یکی از بی معنی ترین و عجیب ترین ائتلاف‌ها به نظر می‌آید. البته، همین صفت به تمام سیاست فعلی کشورهای غربی نسبت به سوریه قابل اطلاق است. متأسفانه، هزارها نفر در نتیجه تصمیمات و اقداماتی که در چارچوب این سیاست اتخاذ می‌شوند، جان خود را از دست می‌دهند. امیدواریم که در اذهان نخبگان سیاسی کشورهایی که در مناقشه سوریه شرکت می‌کنند، عقل سلیم برنده شود.



